



درس نهج البلاغه شناسی استاد حاج سید مجتبی نورمفیدی

تاریخ: ۲۵/ اردیبهشت/ ۱۳۹۸

مصادف با: ۹ رمضان ۱۴۴۰

جلسه: ۱۱

موضوع کلی: نهج البلاغه شناسی

موضوع جزئی: مصادر نهج البلاغه

سال اول

«الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد وآله الطاهرین و اللعن علی اعدائهم اجمعین»

ادامه بحث مصادر نهج البلاغه

با توجه به عدم ذکر سند در نهج البلاغه تلاش‌هایی برای مستند کردن خطبه‌ها، نامه‌ها و حکمت‌های حضرت علی (ع) صورت گرفته است که به برخی از این تلاش‌ها و کوشش‌ها در جلسه قبل اشاره کردیم و عرض کردیم در بین تلاش‌هایی که در زمان‌های متأخر صورت گرفته کتاب مصادر نهج البلاغه تألیف سید عبدالزهره حسینی و کتاب مرحوم دشتی و کتابی که اخیراً به نام تمام نهج البلاغه منتشر شده است تقریباً کامل کننده تلاش‌های قبلی است. زیرا مؤلفین قبلی در صدد جمع‌آوری تمام مستندات نبودند و علی‌رغم نقاط قوتی که در این کتاب‌ها وجود دارد؛ ضعف‌ها و اشکالاتی نیز در آن‌ها به چشم می‌خورد لذا این کتب مؤخر در واقع مکمل آن اقداماتی بوده که در گذشته انجام شده است.

مرحوم عبدالزهره حسینی در کتاب مصادر نهج البلاغه علی‌رغم همه تلاش‌هایی که کرده، اما مأخذ بعضی از خطبه‌ها و بعضی از نامه‌ها و حکمت‌ها را بیان نکرده است. چه بسا عدم ذکر اسناد به واسطه عدم دستیابی به مدارک بوده است نه اینکه عمدتاً بیان نکرده باشد. لذا علی‌رغم کارهایی که صورت گرفته همچنان موارد کمی باقی مانده که تکلیف اسناد و مدارک آن خطبه‌ها و یا نامه‌ها و حکمت‌ها معلوم نیست که ما این را در بخش بررسی اعتبار نهج البلاغه انشاء الله متعرض خواهیم شد.

وی مدارک خطبه‌های ۹۶، ۹۵، ۱۱۷، ۱۵۹، ۱۶۱، ۲۱۲، ۱۱۳ را ذکر نکرده است در نامه‌ها مدرک نامه ۵۸ ذکر نشده، در حکمت‌ها مدرک حکمت ۲ تا ۶، ۶۱، ۳۴۷، ۳۲۹، ۳۵۵، ۴۲۸، ۴۳۶، ۴۳۷، ۴۶۴، ۴۷۴ ذکر نشده است. این نقص و خلاء در کتاب‌های مرحوم دشتی و تمام نهج البلاغه تا حدودی جبران شده است. اما همانطور که خود مرحوم سید عبدالزهره در مقدمه کتاب مصادر نهج البلاغه گفته است، اگر سید رضی همه اسناد نهج البلاغه را هم می‌آورد و چیزی فروگذار نمی‌کرد باز عده‌ای می‌گفتند: برخی از علمای شیعه که به علم حدیث اشتغال داشته‌اند از دیگران مصادر و روایاتی را شنیدند و اسانید آن‌ها را حفظ کردند و بر طبق همین اسانید، روایاتی ساختند که با اعتقادات مذهبی آن‌ها یکی بوده است.^۱

ایشان می‌خواهد بگوید، مشکل جماعتی که تلاش می‌کنند انتساب نهج البلاغه را به حضرت علی (ع) مورد تردید و خدشه قرار دهند این نیست که سید رضی سند نیاورده است، مشکل این‌ها با برخی با مضامین و مطالبی است که در نهج البلاغه بیان شده است. لذا

^۱ مصادر نهج البلاغه، سید عبدالزهره حسینی، ج ۱، ص ۴۶.

باعث شده که متأسفانه همه نهج البلاغه را به سید رضی منسوب کنند و آنرا وضع و جعل سید رضی بدانند. اینها با همه مطالب نهج البلاغه مشکل ندارد، منتهی برای اینکه برخی از مطالب نهج البلاغه را مخدوش جلوه دهند اصل انتساب را به حضرت علی انکار می‌کنند. سایر ادله را نیز مشاهده کردید، واقعا همانطور که قبلا بیان شد بسیاری از ادله اینها به بهانه شبیه است تا دلیل و الا چندان دلیل متقن و محکمی از ناحیه این گروه مشاهده نشده است.

البته همانطور که قبلا هم گفتیم این سخن به معنای وجود کاستی و اشکال در نهج البلاغه نیست. یک اشکال عدم ذکر سند است و این را قبول داریم، اما همانطور که قبلا هم گفتیم عدم ذکر سند عمدتا برای چند جهت بود که جهت اصلی این بوده که سید رضی با توجه به تخصص و آشنایی و احاطه‌ای که به فن بلاغت و فصاحت داشته است، علاوه بر مضامین بلند آن کلمات مجذوب زیبایی‌های ادبی کلمات حضرت علی(ع) شده است و لذا کلماتی که در نهج البلاغه جمع آوری شده است عمدتاً نثر مسجع است و به همین جهت عده‌ای به ایشان اشکال کردند که نثر مسجع با آن دوران سازگار نبوده است. اصلا بنای سید رضی بر ذکر اسناد و مدارک نبود، زیرا هدف اصلی او از این کتاب و جمع آوری کلمات حضرت علی(ع) بیشتر جنبه‌های فصاحت و بلاغت کلمات مولا بوده است. ضمن اینکه سید رضی این کلمات را از بین همه کلمات انتخاب کرده است و این همه کلمات حضرت علی(ع) نیست.

انواع مصادر نهج البلاغه

جهت تکمیل بحث به مطلبی که در مقدمه مصادر نهج البلاغه آمده اشاره می‌کنیم.

مرحوم سید عبدالزهره حسینی در مقدمه کتاب، مصادر نهج البلاغه را دسته‌بندی کرده است. ایشان می‌گویند: مصادر نهج البلاغه بر چهار دسته‌اند:

دسته اول: آن‌ها که قبل از سال چهارصد که سال پایان تألیف نهج البلاغه است شکل گرفته است. برخی از این مآخذ الان موجود است و قابل رجوع مستقیم می‌باشد، مثل کافی، امالی شیخ صدوق، امالی شیخ مفید، تاریخ طبری، تاریخ یعقوبی، البیان و التبیین. **جا حظ.**

دسته دوم: آن‌ها که قبل از پیدایش نهج البلاغه نوشته شده ولی اثری از آن‌ها موجود نیست، بلکه ضمیمه برخی آثار دیگر است و لذا مراجعه مستقیم به آن‌ها امکان ندارد. این منابع در حقیقت در مآخذ دیگری بیان شده‌اند و لذا این مآخذ، مآخذ دسته دوم می‌باشند، زیرا آن‌ها الان در دسترس نیستند.

دسته سوم: مآخذ و مصادر که پس از تألیف نهج البلاغه تدوین شده‌اند و با منابع و مآخذ سید رضی متفاوت می‌باشند ولی همین سخنان را جمع آوری کردند بدون اینکه از نهج البلاغه استفاده کرده باشند. یعنی بخشی از کتاب‌ها، کلمات حضرت علی(ع) را بیان کردند و کلمات بیان شده از طرف ایشان نیز همین کلمات است.

البته اینکه ایشان ادعا می‌کند که بدون اینکه از نهج البلاغه استفاده کرده باشند و غیر از طریق سید رضی این مطالب را نقل کرده باشند، ممکن است درباره بخشی از سخنان حضرت علی(ع) درست باشد اما در عین حال می‌تواند آن چیزی که سید رضی در نهج البلاغه آورده است، راهنمای ایشان به سوی استکشاف مآخذ و مدارک بوده باشد.

دسته چهارم: کتاب‌هایی که بعد از سید رضی نوشته شدند و کلمات حضرت علی(ع) را نقل کردند ولی نقل آن‌ها با نقل سید رضی متفاوت است. یعنی عبارات و بعضی از کلمات یک تفاوت‌هایی با هم دارد یا حتی ممکن است در مورد خطبه‌ها مثلا خطبه‌ای را

که سید رضی تقطیع کرده و در دو بخش آورده است، ایشان در یک بخش و یک پارچه آوردند و این حاکی از این است که منابع آن‌ها با منابع سید رضی متفاوت بوده است زیرا تفاوت عبارات و متن روایات سخنان منقول از حضرت علی(ع) حاکی از این است که این دسته به نهج البلاغه کاری نداشتند و سراغ برخی از مدارک دیگر رفتند که طبق نقل آن‌ها سخن حضرت علی(ع) متفاوت از آن چیزی است که سید رضی نقل کرده است.^۱

سوال

استاد: خود سید رضی که اسم پانزده کتاب را در نهج البلاغه آورده است و ما آن پانزده تا را نقل کردیم، به غیر از این برخی از کتاب‌ها که در همین باره نوشته شده است نام منابع و مآخذ نقل سخنان حضرت علی را آوردند که همه این‌ها پیش از سید رضی نوشته شده است و ما به این‌ها نیز اشاره کردیم، یعنی حدود سی منبع را ما بیان کردیم اما منابع بیش از این‌ها است. در بعضی از کتاب‌ها چیزی در حدود هشتاد منبع ذکر شده است که همه قبل از تدوین و تألیف نهج البلاغه بوده. البته اکثر آن‌ها مشتمل بر بخش‌هایی از سخنان حضرت علی می‌باشند. مثلاً زید بن وهب به عنوان یکی از صحابی رسول خدا کتابی دارد به عنوان خطب امیرالمؤمنین که بعضی از خطبه‌ها را نوشته یا کامل بن زیاد تنها یک بخشی از سخنان حضرت را نوشتند. اینکه می‌گوییم هفتاد، هشتاد منبع، بخشی از آن‌ها رساله‌های کوچکی هستند که چند حکمت یا نامه را در خود جای داده است. حتی کسی مثل نوف بکالی دو تا روایت فقط از امام نقل کرده است که این خودش می‌شود یک منبع.

پاسخ به شبهه اول (عدم گردآوری کتاب توسط سید رضی)

گفتیم دو شبهه تاریخی در کلمات ابن خلکان وارد شده است.

یکی راجع به گردآورنده نهج البلاغه که آیا سید رضی است یا سید مرتضی که در این بخش عرض کردیم گرد آورنده مسلماً سید رضی است. این بحث را اجمالاً بیان کردیم و خیلی وارد آن نشدیم، ولی اگر بخواهیم فهرست وار شواهد آن را ذکر کنیم به چند نکته می‌توان اشاره کرد:

۱. خود سید رضی در مواضع متعدد، هم در مقدمه کتاب نهج البلاغه تصریح کرده است که نهج البلاغه را او نوشته است، هم در سایر تألیفاتش مثلاً در کتاب «المعجزات النبویه» در پنج موضع تصریح می‌کند که نهج البلاغه را من تألیف کرده‌ام، در کتاب «حقایق التأویل» که کتابی در سی جلد بوده و الان پنج جلد بیشتر از آن باقی نمانده نیز تصریح می‌کند که این کتاب را من تألیف کردم. یعنی در مقدمه نهج البلاغه، در کتاب حقایق التأویل که تألیف خود سید رضی است و در کتاب المعجزات النبویه که آن هم تألیف خود سید رضی است تصریح کرده که نهج البلاغه تألیف من است (بعضاً این کتاب را به سید مرتضی نسبت داده اند، مثل ابن خلکان در کتاب وفيات الاعیان و دیگران به پیروی از او به این موضوع اشاره کردند و گفتند: بین مردم مورد اختلاف است که آیا این کتاب، کتاب سید رضی است یا سید مرتضی).

^۱ مصادر نهج البلاغه، سید عبدالزهره حسینی، ج ۱، ص ۴۷.

۲. یکی دیگر از شواهد محکم بر اینکه خود سید رضی گرد آورنده این کتاب است اجازاتی است که سید مرتضی به دیگران داده است. در این اجازات سید مرتضی این عبارت را دارد: «اجزت لفلان رواية كتاب اخي» پس سید مرتضی نیز به نوعی اشاره به این کرده که این کتاب، کتاب برادرش سید رضی است.

۳. تصریحات بسیاری از بزرگان که در مورد کتاب نهج البلاغه به اینکه این کتاب، کتاب سید رضی است. یعنی در آثار علماء، بزرگان و تراجم نویسان، نجاشی، کتاب الفهرست ابن ندیم به این مطلب تصریح کردند.

۴. اجازاتی که خود سید رضی برای نقل نهج البلاغه داده است در بعضی از کتب آمده است که ما نهج البلاغه را نزد سید رضی خواندیم و از او اجازه نقل گرفتیم، اگر این کتاب خود سید رضی بود دیگر خواندن و اجازه نقل معنا نداشت، این نقل در رابطه با روایات و اجازه در مورد نقل روایات مرسوم بود است. لذا مجموع اینها اثبات می کند بدون تردید این کتاب کتاب سید رضی است.

جمع بندی بحث

به طور کلی از ابتدا دو شبهه تاریخ را مطرح کردیم. اول اینکه نهج البلاغه را سید رضی گرد آوری کرده است. که پاسخ آن داده شد.

شبهه دوم هم که موضوع مهمی است و در کلمات ابن خلکان آمده و دیگران از او تبعیت کردند این بود که این کتاب توسط سید رضی وضع شده و به حضرت علی(ع) نسبت داده شده است. یعنی این کلمات سخنان حضرت علی نیست. خود این ادعا گفتیم دو بخش دارد؛ یک ادعا اینکه تمام نهج البلاغه وضع و جعل است و یک ادعا این است که بخش‌هایی از نهج البلاغه جعل و وضع است نه همه آن.

ما هشت یا نه شاهد و قرینه ذکر کردیم مبنی بر اینکه بدون تردید این سخنان توسط سید رضی جعل نشده بلکه این کلمات به حضرت علی(ع) منسوب است. صرف نظر از اینکه آیا آن راویان ضعیفند یا ثقه که بحث دیگری است اصل این که سید رضی ادعا می کند این کتاب مشتمل بر سخنان حضرت علی(ع) است، را با هشت شاهد اثبات کردیم.

در ادامه سیزده دلیل از ادله مخالفان انتساب نهج البلاغه به حضرت علی(ع) را مورد بررسی قرار دادیم و گفتیم در مقابل ما که مدعی هستیم این سخنان منتسب به مولا حضرت علی(ع) می باشند، عده‌ای با انگیزه‌ها و دواعی مختلف شواهدی ذکر کردند تا اثبات کنند این سخنان از حضرت علی(ع) نیست. حال بعضی از این ادله در مقام نفی انتساب تمام نهج البلاغه به حضرت علی(ع) است و بخشی در مقام نفی انتساب بخشی از خطبه‌ها. البته این بیشتر در بین علمای متعصب اهل سنت مطرح بوده است و برخی از این متأخرینشان که خیلی تلاش کردند این جنبه را زیر سؤال ببرند اما در مقابل بسیاری از علمای اهل سنت هیچ تردیدی در انتساب این سخنان به حضرت علی(ع) ندارند که بخشی از کلمات ابن ابی الحدید و شیخ محمد عبده (که از معاصرین علمای اهل سنت می باشد) را بیان کردیم. این‌ها همه استناد کردند به نوع بیان و سبک بیان و مضامین بلند که اصلاً نمی تواند کار سید رضی باشد و به همین جهت تعبیر شده است از این کلام به کلامی که «دون کلام الخالق و فوق کلام المخلوقین» است.

البته در این بین گفتیم بعضی از عالمان شیعه در انتساب بعضی از کلمات به حضرت علی(ع) تردید کردند و گفتند: این‌ها از حضرت علی(ع) نیست مثل خطبه‌ای که طبق نظر برخی در مقام مدح یکی از خلفاء وارد شده است. هرچند مرحوم تستری در شرح خودش

به نهج البلاغه اشکالاتی به سید رضی دارد که آن را بیان می‌کنیم، اما همه بالاتفاق می‌گویند: این کتاب منتسب به حضرت علی(ع) است.

این محصل مطالبی است که در این یازده جلسه ما ذکر کردیم. هم آن دو شبهه را رد کردیم و هم ادله مخالفین را مورد بررسی قرار دادیم و تا اینجا اثبات شد که:

۱. این کتاب تألیف سید رضی است.

۲. این کتاب منسوب به حضرت علی(ع) است، به این معنا که سید رضی این کتاب را جعل نکرده و آنچه که او آورده است همه سخنانی است که او به زعم خودش این‌ها را سخنان مولا حضرت علی(ع) دانسته است.

بحث جلسه آینده

بحث مهمی که به دنبال این بحث مطرح می‌شود این است که آیا این کتاب اعتبار دارد یا خیر؟ یعنی می‌پذیریم که این کتاب را سید رضی گردآوری کرده و می‌پذیریم که این سخنان منتسب به مولا حضرت علی(ع) است نه اینکه خود سید رضی اینها را نوشته باشد، اما سؤال این است که آیا آنچه که در نهج البلاغه آمده معتبر است؟ به این معنا که به عنوان روایتی که بشود به آن در مسائل فقهی و اخلاقی استناد کرد؟

با توجه به اینکه این‌ها همه مرسله است، همه نهج البلاغه در واقع مرسله سید رضی است مثل مرسلات شیخ صدوق و شیخ مفید؛ آیا این مرسلات مورد قبول می‌باشند؟ آیا می‌توانیم به این‌ها در مورد یک موضوع اعتقادی یا فقهی یا اخلاقی اتکا کنیم یا خیر؟ ولی قبل از آن مناسب است درباره شروح و ترجمه‌های نهج البلاغه هم اشاره‌ای داشته باشیم. حال که سخن از مصادر به میان آمد خوب است در این باره هم بحثی داشته باشیم.

«والحمد لله رب العالمین»